

آسیبشناسی معماری معاصر ایران

سهراب مشهودی

تیر ماه 1394

معماری سنتی شهرهای ایران که تا چند دهه پیش حاکم بوده است به دو گروه عمده قابل تقسیم بود:

یک- در شهرهای شمالی ایران و بخشی از غرب، که ساختمان‌ها بطور آزاد در وسط زمین احداث می‌گشت.

دو- در دیگر نقاط که عمدتاً حیاط مرکزی (یا نیمه مرکزی) ساختار معماری را مشخص می‌ساخت.

در دوره مدرنیزه کردن کشور در زمان پهلوی اول (و اوایل دوم) با احداث معابر جدید در شهرها، براساس قانون احداث و تعریض معابر سال 1312 و همینطور توسعه بخش دولتی و لزوم احداث ساختمان‌های اداری، تعدادی معمار ایرانی در خارج تحصیل کرده و با معماران خارجی مقیم ایران (یا دارای آمد و شد به ایران) با بهره‌وری از الگوهای رایج معماری اروپا و روسیه به طرح‌ها ساختمان‌های عمومی پرداختند، که گرچه منجر به احداث ساختمان‌های شکیل گشت (که گروهی از معماران و مسئولان) هنوز هم به آنها افتخار می‌کنند ولیکن از آنجا که از معماری ایران نشأت نگرفته بود، یعنی ریشه در معماری ایران نداشت و به علاوه آنقدر قدرتمند نبود که بتواند، در معماری ایران ریشه بدواند، عملاً از عرصه معماری کشور حذف گردید.

جایگزین این معماری (بی‌ریشه که نتوانست ریشه هم بدواند) معماری شد که عمدتاً ناشی از ضوابط احداث بنای طرح جامع 1349 تهران (کار ویکتور گروهن و فرمانفرمایان) است.

ضوابط بسیار ساده شد، احداث بنا در 60% شمال هر زمین، با حیاط‌های جنوبی قطعات جنوبی (که تا حدی ویژگی یک فضای باز مناسب را دارند) و حیاط‌های جنوبی واحدهای شمالی، که عملاً محل آمد و شد ساکنان، رامپ اتومبیل و یا حتی پارک

اتومبیل هستند، (که دیگر به هیچ عنوان ویژگی‌های حیاط مرکزی سابق را ندارند)، الگوی حاکم معماری ایران گردید. این ضابطه علاوه بر انهدام معماری گذشته و عدم امکان دادن به معماری نوین ایران، به شهرهای ایران نیز، آسیب‌های فراوانی زد از جمله:

یک- با استقرار ساختمان‌ها جنوبی در بر معابر (در بخش جنوبی معبر) و حیاط قطعات شمالی در بر دیگر معبر، عدم تعادل به تمام معابر شهری حاکم شده است.

دو- با تصور اینکه حتماً ساختمان‌ها دقیقاً در 60% شمال زمین و با یک ارتفاع ساخته می‌شود و ابعاد قطعات هم برابرند، ابنیه در این ضوابط، تنها یک نمای اصلی به معابر و یک نمای فرعی به حیاط یا حیاط خلوت دارند، در نتیجه سیمای شهری با بدنه‌های بدون پنجره و نما پر شده که بسیار ناهنجارست. به گونه‌ایکه شهرداری‌ها اخیراً ناچار شده‌اند روی آنها نقاشی نمایند.

سه- با محدود کردن معماران در یک مکعب مستطیل در 60% شمال زمین، خلاقیت معماران فضای بروز نمی‌یابند و در نتیجه معماری ایران خلاقیت خود را از دست داده است.

بدین‌ترتیب در مجموع معماری ایران و معماری شهری ایران با تسلط این ضابطه به شهرهای کشور به شدت آسیب دیده است. به گونه‌ای که در شرایط حاضر نمی‌توانیم برای معماری معاصر کشور ویژگی‌هایی را بر شماریم که آنرا تعریف نماید.